



## دریچه‌ای به استعدادها

مقدمه:

تحصیلات عالی هستند، سروده‌اند. البته مخاطب این شعر میتواند همه فرزندان میهن اسلامی باشد که به عشق خدمتگزاری بیشتر، راه دانشگاه را پیش گرفته‌اند. خود ایشان نیز اشعار خود را

یکی از همکاران خوش ذوق پزشک یعنی آقای دکتر سید محمود پورحسینی مثنوی مفصلی خطاب به یکی از فرزندان ایشان به نام «مسعود» که در خارج از ایران مشغول

---

رازی / سال سوم / شماره ۶ / تیر ۷۱ / صفحه ۷۵

«تقدیم به همه دانشجویان رشته های پزشکی»  
نموده اند. گزیده ای از اشعار شیوای دکتر  
پور حسینی را با تعدیلاتی مختصر مرور میکنیم :

«مسعود» که گوهری یگانه است  
در عاطفه و وفا نشانه است  
بس خوانده کتاب، نیک داند  
تا توسن عقل چون جهاند  
هر روز به شب چو میرساند  
خواهد که ز فضل وانامد  
شاید که شود به علم مشهور  
بخشد به جهانیان همه نور  
او عاشق خواندن کتاب است  
نه اهل شراب و نه رباب است  
از کود کیش مرابه یاد است  
کز خواندن درس و بحث شاد است  
\* .

تا بود به کودکی به پیشم  
میکرد برون مرا، ز خویشم  
با طرح سئوال نغز و والا  
مبیرد مرابه عرش اعلا  
آنجا که فحامت است و مجد است  
جان همه در سرور و وجد است  
آنجا که مکان کبریائی است  
خوش عالم نغز بی ریائی است  
\* .

افسوس که نیست پیشم امروز  
تا ببینمش آن رخ دل افروز  
اینست که من برای فرزند  
خواهم بدهم نصیحتی چند  
شاید که ورا مفید گردد  
نزد همه روسفید گردد  
\* .

فرزند من ای عزیز جانم  
ای راحت جسمم و روانم  
چون قلب مراست با تو پیوند  
خواهم پدرانها ده هم پند

گر بند پدر کنی تو در گوش  
با عیش و خوشی شوی هم آغوش  
عمر تو اگر گذشت از بیست  
ورزیده شدی، که جای غم نیست  
عمری که به راه علم صرف است

این مغتنم و بقیه حرف است  
استاد سخنوران نظامی  
پر کرده جهان ز خوش کلامی  
فرموده به هر ورق که خوانی  
میکوش که معنی اش بدانی  
زین نکته مرابه تو پیامی است  
از من نه که گفته نظامی است  
چون جان مرابه جان فرزند  
از روزالست بسوده پیوند  
باید که تو درس طب بخوانی  
بس نکته دل نشین بدانی  
در علم بدن به جد بکوشی  
از لذت نفس چشم پوشی  
و قتی که شدی پزشک دانا

شان تو بود همیشه والا  
هر جا که روی مکر می تو  
هم معتمدی و محرمی تو  
در طب کنی از تو عمر خود گم  
تسخیر کنی قلوب مردم  
قدرت همه بخردان بدانند  
بسر صدر، ترا همی نشانند  
بس گوش به پند نغز من کن  
آسوده خیال خویش کن  
ده سال به علم گر بکوشی  
از خواهش نفس چشم پوشی  
صد سال قیرین افتخاری  
دانشای زمان و روز گاری  
\* .

آنروز که من نباشم اینجا  
افتادی اگر به یاد «بابا»  
با بغض عزیز من : بخوانم  
بیک فاجعه زود، بر روانم  
تا شاد شود دل من آنجا  
در خاک اگر چه هست ماوا  
«دکتر سید محمود پور حسینی»